

واکاوی قصد کارآفرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان

سمیرا نبی افجدی^۱، مریم شریفزاده^۲

^۱ دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه یاسوج، nabiafjadi@alumni.ut.ac.ir

^۲ استادیار گروه مدیریت توسعه روستایی دانشگاه یاسوج، m.sharifzadeh@yu.ac.ir

چکیده

قصد کارآفرینی یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های رفتار کارآفرینی می‌باشد. بنابراین در پژوهش‌ها عواملی که بر قصد کارآفرینی دانشجویان تاثیر می‌گذارد، مورد توجه پژوهشگران می‌باشد. در مقاله حاضر به واکاوی و پژوهش کارآفرینی دانشجویان کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان می‌پردازد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل دانشجویان سال چهارم دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان (۳۲۰ نفر) می‌باشد. در جامعه مورد تحقیق، ۷۵ پرسشنامه از دو گروه متشکل از دانشجویانی که در دوره تحصیل در دانشگاه دست به کارآفرینی زده‌اند (۱۴ نفر) و دانشجویان غیرکارآفرین (۶۱ کارآفرین) می‌باشد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است که روایی آن با کسب نظر استادان گروه مدیریت توسعه روستایی دانشگاه یاسوج تأیید شد و برای تعیین پایایی از آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای پرسشنامه از ۰/۷۵۱ تا ۰/۹۲۱ به دست آمد. نتایج همبستگی نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین متغیر قصد کارآفرینی با باورهای کنترلی، هنجارهای اجتماعی و درک امکان‌پذیری، متغیر باورهای کنترلی، با هنجارهای اجتماعی و درک امکان‌پذیری، متغیر باورهای کنترلی، با هنجارهای زمینه‌ای وجود دارد. نتایج آزمون من ویتنی نشان داد که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که قصد کارآفرینی، باورهای کنترلی، هنجارهای اجتماعی، هنجارهای زمینه‌ای و درک امکان‌پذیری در دو گروه دانشجویان کارآفرین و غیرکارآفرین معنی‌دار است. همچنین نتایج رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که ۸۹ درصد از واریانس متغیر وابسته (کارآفرین شدن) توسط متغیرهای قصد کارآفرینی، سن، میزان تحصیلات مادر و معدل دانشگاه پیش‌بینی می‌شود. بر اساس آن‌ها، پیشنهادهای کاربردی و مرتبط ارائه شده است.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، قصد کارآفرینی، دانشجویان، کشاورزی.



Examination and anticipation of entrepreneurship among agricultural entrepreneur's students and agricultural non-entrepreneurial students at Isfahan University of Technology

Samira nabiafjadi¹, Maryam Sharifzadeh²

¹Ph.D student of Agricultural Development, Department of Rural Development Management, Yasouj University, nabiafjadi@alumni.ut.ac.ir

²Assistant Professor of Agricultural Information Systems, Department of Rural Development Management, Yasouj University, m.sharifzadeh@yu.ac.ir

Abstract

This main purpose of this research was to Examination and anticipation of entrepreneurship among agricultural entrepreneur's students and agricultural non-entrepreneurial students at Isfahan University of Technology. Statistical population of this study was consisted of 320 students in the Senior of the College of Agriculture, Isfahan University of Technology; out of which 75 entrepreneur's students and 14 non-entrepreneurial students were selected as sample using random sampling technique. Questionnaire's reliability was confirmed through computing cornbanch's Alpha coefficient which was more than 0.70. Face validity of questionnaire was confirmed by a panel of expert judgment. Correlation analysis findings revealed that there were significant relationships and positive among entrepreneurial intention and other variables such as "control beliefs", "social norms", "attitude of impacted of irrigation systems" and "degree of education" and "feasibility". Regression analysis findings revealed that there were relationships both entrepreneurial intention and "age", "mother's education", "water scarcity" and "university grade".

Key words: Entrepreneurship, Entrepreneurial intention, students, agricultural.

مقدمه

امروزه کار آفرینی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی بشمار می‌آید و چرخه‌های توسعه اقتصادی با توسعه کار آفرینی به حرکت در می‌آید، کار آفرینی از منابع مهم و پایان ناپذیر همه جوامع بشری است، که به توان خلاقیت انسان‌ها بر می‌گردد. در واقع کار آفرینی به دو دلیل اهمیت دارد از یک طرف ارزان و از سوی دیگر بسیار ارزشمند و پایان ناپذیر است (حبیبی و منعم، ۱۳۹۱). به طور کلی واژه کار آفرینی مفاهیم نوآوری، مخاطره‌پذیری و استقلال طلبی را به ذهن متبادر می‌سازد در واقع کار آفرین ایده‌ای را یافته و آن را تبدیل به فرصتی اقتصادی و یا اجتماعی می‌کند (سلاجقه و جمشیدی گوه‌ریزی، ۱۳۹۱). کار آفرینی به خاطر این که منجر به افزایش کرائی اقتصادی می‌شود، نوآوری را به بازار کار و تولید می‌آورد، مشاغل جدید ایجاد می‌کند و وضعیت اشتغال را بهبود می‌بخشد، بسیار مهم می‌باشد (Shane and Venkataraman, 2000).

اصطلاح کار آفرینی در حوزه علم و عمل اقتصادی به فرآیند خلق ارزش جدید مادی یا معنوی از طریق یک تلاش متعهدانه با در نظر گرفتن خطرهای ناشی از آن اطلاق می‌شود (حبیبی و تعبد، ۱۳۹۴). کار آفرینی فرآیند خلق و دستیابی به فرصت‌ها و دنبال کردن آن‌ها بدون توجه به منابع در دسترس است (Hurley, 1999). کار آفرینی فرآیند پویای آفرینش ثروت فزاینده است (Robert C. Ronstadt, 2002) و کار آفرینی هماهنگ کننده و ترکیب کننده عوامل تولید، تجارت یا ارائه خدمات می‌باشد (حبیبی و منعم، ۱۳۹۱).

بخشی از ادبیات پژوهش به حیطه عوامل موثر بر کار آفرینی اختصاص دارد. بررسی عوامل تاثیرگذار بر تمایل دانشجویان برای شروع کسب و کاری جدید ضرورت دارد. بدیهی است که عوامل بسیاری وجود دارند که قصد کار آفرینانه دانشجویان را تحت تاثیر قرار می‌دهند (خاقانی و همکاران، ۱۳۹۱). پیرایش و مطلبی (۱۳۹۲)، در نتایج تحقیق خود دریافتند که رتبه‌بندی شاخص‌های کار آفرینی به ترتیب قدرت تصمیم‌گیری، مشارکت‌جویی و ریسک‌پذیری می‌باشد. همچنین در تصمیم‌گیری عدم قطعیت، تغییرات مستمر محیطی و مساله تفویض اختیار تاثیر دارد. اکثر خلاقیت‌ها و نوآوری در اثر کار گروهی و مشارکت جوانان انجام می‌پذیرد. در تحقیق دیگر باقرصاد و همکاران (۱۳۹۲) دریافتند که آموزش کار آفرینی بر قصد کار آفرینی و درک امکان‌پذیری دانشجویان رشته‌های فنی و حرفه‌ای تأثیرگذار است. نتایج مطالعه صیف و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که متغیرهای هنجاری ذهنی، هنجارهای اجتماعی، تجربه‌ی کار آفرینانه، خودکارآمدی کار آفرینانه و تمایل به خطرپذیری به طور مستقیم از طریق متغیرهای واسطه‌ای بر قصد کار آفرینانه دانشگاهی اثر معنادار دارند. شمس و همکاران (۱۳۹۴، الف)، کار آفرینی به عنوان راهکار توسعه در عصر امروز می‌باشد و راهبرد اقتصاد مقاومتی به عنوان مسیر توسعه اقتصادی در شرایط کنونی کشور می‌باشد. شمس و همکاران (۱۳۹۴، ب)، کار آفرینی رشد اقتصادی، تحرک اجتماعی، کاهش بیکاری و افزایش اشتغال، افزایش تولید ملی، ارتقاء سطح دانش و رشد و بهبود پیوند نهاد‌های علمی و بازار می‌باشد که با توجه به نیازها و اهداف اقتصاد مقاومتی، می‌توان کار آفرینی را از ضروریات و عوامل اصلی نهادینه شدن و اجرای موفق اقتصاد مقاومتی دانست چرا که نتایج و فواید مورد نظر در هر دو مقوله همدیگر را پوشش داده و موجب هم افزایی یکدیگر خواهند بود.

آموزش اثر قابل توجهی در موفقیت کار آفرینی و به تبع آن در رشد اقتصادی جوامع دارد، بنابراین شیوه برای ترویج فرهنگ کار آفرینی، سرمایه‌گذاری در دانشگاه‌هاست. با توجه به چشم انداز برنامه ۱۴۰۰ و بر اساس برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه، اقتصاد کشور باید از وابستگی به نفت به سمت اقتصاد بر پایه تولید حرکت کند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۳). در دنیای امروز، ایجاد مشاغل نوین برای ادامه حیات و پویایی اقتصاد کشورها بسیار ضروری می‌باشد (Dahlstrand, 2007). عصر جدید عرصه رقابت بر سر منابع و سرمایه هاست و کشورهای بزرگ صنعتی که فاتحان این عرصه‌اند، بهره‌وری از منابع و سرمایه‌ها را در سرلوحه کار خود قرار داده و در پرتو وجود افراد تحصیل کرده و متخصص چرخ‌های رشد و توسعه را به حرکت درآورده و به ابداعات و نوآوری‌هایی دست یافته‌اند. دسترسی به نوآوری‌ها که اقتصاد کشورهای توسعه یافته را از نو زنده کرده است، منوط به کار آفرینی است (صادقی و ملکی‌نیا، ۱۳۹۰). با توجه به اینکه که دانشجویان قشر عظیمی از نیروی کار بالقوه آینده کشور را تشکیل می‌دهند و تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که نیاز مبرم به کار و کسب درآمد دارند، روز به روز افزایش می‌یابد و با در نظر گرفتن اینکه بخش‌های دولتی و خصوصی در ایجاد شغل برای

آنها ناتوان می‌باشند (خاقانی و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین، در این مقاله به واکاوی و پیش‌بینی کارآفرینی دانشجویان رشته‌های کشاورزی دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان می‌پردازیم.

روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نوع پیمایشی است که به روش توصیفی-همبستگی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق را دانشجویان سال چهارم رشته‌های کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان (۳۲۰ نفر) تشکیل داده‌اند، که به طور بالقوه در آستانه شروع یک کسب و کار جدید و کارآفرینانه هستند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول زیر استفاده شد (منصورفر، ۱۳۸۹). در این فرمول N تعداد افراد جامعه مورد نظر، t سطح اطمینان ۰/۹۵ که برابر با ۱/۹۶ می‌باشد. σ^2 واریانس جامعه مورد مطالعه و $d = \frac{B^2}{4}$ (دقت برآورد)، عدد متناظر با ضریب B در این پژوهش برابر با ۲,۰۳ بود.

$$n = \frac{Nt^2\sigma^2}{Nd^2 + t^2\sigma^2}$$

با توجه به فرمول مذکور حجم نمونه ۱۴ دانشجوی کارآفرین و ۶۱ نفر دانشجوی غیرفعال در عرصه فعالیت‌های کارآفرینانه دانشگاهی به دست آمد.

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای مشتمل بر دو بخش بود. در بخش اول متغیرهای پژوهش شامل قصد کارآفرینی، بستر حمایتی، مطلوبیت نگرش درک شده از رفتار، هنجارهای اجتماعی درک شده از رفتار و کنترل رفتاری درک شده برای رفتار مورد بررسی قرار گرفت. در بخش دوم نیز ویژگی‌های فردی دانشجویان (سن، جنس، رشته تحصیلی) مورد بررسی قرار گرفت. آزمون آلفای کرونباخ پرسشنامه (به منظور تعیین پایایی) طیفی از اعداد را بین دو عدد ۰/۷۵۱ تا ۰/۹۲۱ نشان داد. اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد.

یافته‌ها

نتایج پژوهش حاکی از آن است که ۸۱ درصد از غیرکارآفرینان و ۵۷ درصد از کارآفرینان پسر هستند، همچنین درصد دختران غیرکارآفرین و کارآفرین به ترتیب ۱۸ و ۴۲ بودند. در رابطه با توزیع سنی دانشجویان، اکثریت آنها بین ۲۶-۲۲ (۵۰٪/۸) غیرکارآفرینان و ۵۷/۲٪ کارآفرینان) سن داشتند. اکثریت غیرکارآفرینان (۴۵/۹٪) ساکن شهرهای کوچک و اکثریت کارآفرینان (۵۷/۱٪) ساکن شهرهای بزرگ بودند. بیشترین درصد فراوانی سطح تحصیلات پدر و مادر غیرکارآفرینان و کارآفرینان زیر دیپلم بود. همچنین اکثریت (۲۶/۳ درصد) پدر غیرکارآفرینان بازنشسته بودند و پدران کارآفرینان اکثراً خود اشتغال (۳۵/۷ درصد) بودند. میزان درآمد خانواده در غیرکارآفرینان و کارآفرینان به ترتیب زیر ۱ میلیون (۵۲/۵٪) و بین ۴ تا ۴ میلیون (۶۴/۳٪) بودند (جدول ۱). همچنین خلاصه ای از میانگین متغیرهای تحقیق در گروه های کارآفرین و غیرکارآفرین در جدول ۱ آمده است.



جدول ۱: ویژگیهای فردی افراد نمونه

متغیر	طبقه بندی	غیرکارآفرین فراوانی	درصد	کارآفرین فراوانی	درصد
سن	زیر ۲۱	۲۹	۴۷/۶	۲	۱۴/۳
	۲۲-۲۶	۳۱	۵۰/۸	۸	۵۷/۲
	۲۷-۳۰	۱	۱/۶	۴	۲۸/۵
جمع		۶۱	۱۰۰	۱۴	۱۰۰
جنس	مرد	۵۰	۸۱/۹	۸	۵۷/۱
	زن	۱۱	۱۸/۱	۶	۴۲/۹
	جمع	۶۱	۱۰۰	۱۴	۱۰۰
محل سکونت	شهر بزرگ	۲۳	۳۷/۷	۸	۵۷/۱
	شهر کوچک	۲۸	۴۵/۹	۵	۳۵/۷
	روستا	۱۰	۱۶/۴	۱	۷/۲
جمع		۶۱	۱۰۰	۱۴	۱۰۰
سطح تحصیلات پدر	بیسواد	۶	۹/۸	۰	۰
	زیر دیپلم	۳۱	۵۰/۸	۸	۵۷/۱
	دانشگاهی	۲۴	۳۹/۴	۶	۴۲/۹
جمع		۶۱	۱۰۰	۱۴	۱۰۰
سطح تحصیلات مادر	بیسواد	۱۱	۱۸	۰	۰
	زیر دیپلم	۳۹	۶۴	۱۱	۷۸/۵
	دانشگاهی	۱۱	۱۸	۳	۲۱/۵
جمع		۶۱	۱۰۰	۱۴	۱۰۰
شغل پدر	بخش خصوصی	۱۵	۲۴/۶	۳	۲۱/۳
	بخش دولتی	۱۳	۲۱/۳	۱	۷/۱
	خود اشتغالی	۵	۸/۱	۵	۳۵/۷
	بازنشسته	۱۶	۲۶/۳	۴	۲۸/۸
	سایر	۱۲	۱۹/۷	۱	۷/۱
جمع		۶۱	۱۰۰	۱۴	۱۰۰
شغل مادر	بخش خصوصی	۱	۱/۶	۱	۷/۱
	بخش دولتی	۷	۱۱/۵	۱	۷/۱
	خود اشتغالی	۱	۱/۶	۲	۱۴/۳
	بازنشسته	۴	۶/۶	۱	۷/۱
	سایر	۴۸	۷۸/۷	۹	۶۴/۴
جمع		۶۱	۱۰۰	۱۴	۱۰۰
درآمد خانوار	زیر ۱ میلیون	۳۲	۵۲/۵	۳	۲۱/۴
	۲ تا ۴ میلیون	۲۵	۴۱	۹	۶۴/۳
	۵ میلیون به بالا	۴	۶/۵	۲	۱۴/۳

جدول ۲ رابطه‌ی همبستگی بین میان متغیرهای کارآفرینی را نشان می‌دهد. بر مبنای یافته‌های این ماتریس همبستگی قوی، مثبت و معنی داری بین قصد کارآفرینی و باورهای کنترلی دانشجویان وجود دارد ($P < 0/01$ و $r=0/623$). بدیهی است هر چه پاسخگویان باورهای کنترلی مثبت و بالاتری داشته باشند، قصد آنها در اجرای کارآفرینی بیشتر خواهد شد. درک امکان‌پذیری از همبستگی متوسط، مثبت و معنی داری با قصد کارآفرینی برخوردار می‌باشد ($P < 0/01$ و $r=0/452$). هر چه درک از امکان‌پذیری بیشتر باشد قصد کارآفرینی افزایش می‌یابد.

هنجارهای اجتماعی از همبستگی متوسط، مثبت و معنی داری با باورهای کنترلی برخوردار می‌باشد ($P < 0/05$ و $r=0/394$). این سازه به بررسی هنجارهای اجتماعی در خصوص کارآفرین شدن در جامعه می‌پردازد. هر چه هنجارهای اجتماعی و مشوق‌های اجتماعی بیشتر باشد باورهای کنترلی دانشجویان نسبت به کارآفرینی مثبت و افزایش می‌یابد. همچنین هنجارهای اجتماعی دارای همبستگی متوسط، مثبت و معنی داری با قصد کارآفرینی می‌باشد ($P < 0/05$ و $r=0/363$). هر چه هنجارهای اجتماعی بیشتری در جامعه و محیط وجود داشته باشد، قصد کارآفرینی افزایش می‌یابد.

مطابق یافته‌های جدول همبستگی متوسط، مثبت و معنی داری درک امکان‌پذیری و هنجارهای زمینه‌ای ($P < 0/05$ و $r=0/341$) وجود دارد. بنابراین هر چه هنجارهای زمینه‌ای درک شده بیشتر داشته باشد درک امکان‌پذیری افزایش یافته و قصد کارآفرینی نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی بین متغیرهای کارآفرینی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
قصد کارآفرینی	۱				
باورهای کنترلی	۰/۶۲۳**	۱			
هنجارهای اجتماعی	۰/۳۶۳*	۰/۳۹۴*	۱		
هنجارهای زمینه‌ای	-۰/۰۸۰	-۰/۱۸۵	۰/۱۷۲	۱	
درک امکان‌پذیری	۰/۴۵۲**	۰/۱۸۳	۰/۱۸۲	۰/۳۴۱*	۱

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

برای مقایسه وضعیت متغیرهای تحقیق در گروه‌های کارآفرین و غیرکارآفرین از آزمون مقایسه میانگین استفاده شده است. برای این منظور با توجه به تعداد اعضای نمونه در دو گروه مورد مطالعه از آزمون ناپارامتری من ویتنی برای مقایسه استفاده گردید. نتایج آزمون من ویتنی (جدول ۳) نشان داد قصد کارآفرینی کارآفرین و غیرکارآفرین اختلاف معنی دار دارد ($P < 0/01$). به طوری که دانشجویان فعال در عرصه کارآفرینی در دوره دانشجویی از قصد کارآفرینی بالاتری نسبت به سایر هم‌تایان خود قرار دارند. همچنین، با توجه به جدول ۳ باورهای کنترلی دانشجویان کارآفرین و غیرکارآفرین اختلاف معنی داری دارد. به عبارت دیگر میانگین باورهای کنترلی دانشجویان گروه کارآفرین از میانگین باورهای کنترلی دانشجویان غیرکارآفرین بزرگ‌تر است ($P < 0/01$). همچنین نتایج حاکی از آن است که درک امکان‌پذیری دانشجویان گروه کارآفرین و غیرکارآفرین اختلاف معنی داری دارد. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که هنجارهای اجتماعی درک شده در گروه کارآفرین و غیرکارآفرین اختلاف معنی داری دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است هنجارهای زمینه‌ای در دو گروه دانشجویان کارآفرین و غیرکارآفرین اختلاف معنی داری دارد. بنابراین هنجارهای زمینه‌ای درک شده بر کارآفرین بوده موثر است.

نتایج آزمون من ویتنی (جدول ۴) نشان داد که دانشجویان فعال در عرصه کارآفرینی در زمینه‌های هنجارهای اجتماعی از سایر دانشجویان وضعیت مساعدتری داشته‌اند ($P < 0/01$). این امر دلالت بر آن دارد که این دانشجویان ارزیابی مثبت‌تری از منابع و فرصت‌های خارجی (انجمن‌های خصوصی، چارچوب‌های حمایتی دولتی و...) داشته‌اند.

جدول ۳: مقایسه متغیرهای پژوهش در گروه‌های غیرکارآفرین و کارآفرین

متغیرهای تحقیق	متغیر گروه‌بندی	میانگین رتبه ای	آماره U	سطح معنی داری
قصد کارآفرینی	غیرکارآفرین	۳۴/۴۸	۲۱۲/۵۰۰	۰/۰۰۳**
	کارآفرین	۵۳/۳۲		
باورهای کنترلی	غیرکارآفرین	۳۷/۰۵	۳۶۹/۰۰	۰/۰۰۱**
	کارآفرین	۴۲/۱۴		
هنجارهای اجتماعی	غیرکارآفرین	۳۹/۷۷	۳۱۹/۰۰	۰/۰۰۱**
	کارآفرین	۳۰/۲۹		
هنجارهای زمینه ای	غیرکارآفرین	۳۸/۰۱	۴۲۶/۵۰۰	۰/۰۰۱**
	کارآفرین	۳۷/۹۶		
درک امکان پذیری	غیرکارآفرین	۳۴/۶۱	۲۲۰/۵۰۰	۰/۰۰۵**
	کارآفرین	۵۲/۷۵		

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

با استفاده از تحلیل رگرسیون لجستیک، قابلیت متغیرها در پیش‌بینی قصد کارآفرینی دو گروه (کارآفرینان و غیرکارآفرینان) مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۴). در این جا کارآفرین بودن به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای قصد کارآفرینی، باورهای کنترلی، هنجارهای اجتماعی، هنجارهای زمینه‌ای، درک امکان‌پذیری، سن، جنس، میزان تحصیلات پدر و مادر و شغل آن‌ها به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد مدل شدند. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که مجموع متغیرهای وارد شده در مدل، ۸۸ درصد از واریانس متغیر وابسته (کارآفرین شدن) را در گام دوم تبیین کردند.

خروجی بعدی (جدول شماره ۴) متغیرهای وارد شده در الگو و نتایج آزمون والد را نشان می‌دهد. با توجه به آماره‌ی والد و sig مربوط به آن، متغیرهای قصد کارآفرینی و هنجارهای اجتماعی معنی دار هستند. متغیرهای قصد کارآفرینی با مقدار ($B=0/333$, $P < 0/01$) و هنجارهای اجتماعی با مقدار ($B=-0/174$, $P < 0/01$) می‌توانند کارآفرین شدن یا نشدن آزمودنی‌ها را پیش‌بینی کنند. به بیان دیگر، این دو متغیر، تأثیر بسیار قوی بر احتمال کارآفرین شدن افراد دارند؛ اما اثر سایر متغیرها، قابل چشم‌پوشی است. در کل، مدل رگرسیون توانسته ۸۸ درصد از آزمودنی‌ها را به درستی طبقه‌بندی کند. به بیان دیگر، این مدل نشان می‌دهد که ۸۸ درصد از تغییرهای متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل رگرسیون لجستیک تبیین می‌شود و پیش‌بینی‌ها درست انجام شده‌اند.

براساس آزمون برازش، کای دوی در گام دوم برابر ($\chi^2 = 7/47$, $P < 0/01$) است. از این رو متغیرهای مستقل (قصد کارآفرینی و هنجارهای اجتماعی) بر متغیر وابسته (کارآفرین بودن) اثرگذار بوده و برازش مناسب ($-2 \text{Log likelihood} = 53/00$) است. نتایج حاصل از رگرسیون لجستیک نشان داد که قصد کارآفرینی و هنجارهای اجتماعی تأثیر زیادی در کارآفرین شدن دارد. به عبارت دیگر مطابق نتایج اختلاف معنی‌داری بین دو گروه دانشجویان کارآفرین و غیرکارآفرین وجود داشت.

بر اساس مقادیر ستون B معادله رگرسیون را می توان به شرح ذیل نوشت:

$$y = -3.109 + 0.333x_1 - 0.174x_2$$

در این معادله

y = کارآفرین شدن

X_1 = قصد کارآفرینی

X_2 = هنجارهای اجتماعی

مقادیر B بیشتر از یک نشان از تاثیر بیشتر بر کارآفرین شدن دارد و مقادیر کمتر از یک به معنی تاثیر کمتر بر کارآفرین شدن می باشد. یعنی افزایش قصد کارآفرینی، احتمال کارآفرین شدن را در پی دارد و افزایش هنجارهای اجتماعی، احتمال کارآفرین شدن را افزایش می دهد. به عبارت دیگر، زمانی که هنجارهای اجتماعی مانند ازدیاد فارغ التحصیلان، کاهش فرصت های شغلی و ... از سوی دانشجویان درک شود، باعث می شود دانشجویان به سمت کارآفرینی و خود اشتغالی روی بیاورند. همچنین مقدار ثابت برابر با $P > 0.05$ ، $B = -3.109$ است که بیانگر منفی بودن مقدار ثابت و معنی دار نبودن این مقدار است. بنابراین می توان گفت که معادله خط رگرسیون از وسط محور مختصات عبور می کند.

جدول ۴: مدل رگرسیون لجستیک برای پیش بینی کارآفرینی

متغیر	Wald	S.E	B	سطح معناداری
قصد کارآفرینی	۱۰/۷۲۱	۰/۱۰۲	۰/۳۳۳	۰/۰۰۱
هنجارهای اجتماعی	۶/۲۲۴	۰/۰۷۰	-۰/۱۷۴	۰/۰۱۳
Constant	۱/۸۴۱	۲/۲۹۱	-۳/۱۰۹	۰/۱۷۵
-2Log likelihood			۵۳/۰۰	
R^2 Nagelkerke			۰/۳۶۵	
χ^2			۷/۴۷, P=0/006	
Total predicted			۸۸/۰۰	
N			۷۵	

بحث و نتیجه گیری

در طی دهه گذشته بسیاری از کشورها مخصوصاً کشورهای در حال توسعه به کارآفرینی به عنوان یک راه حل بالقوه برای مشکلات گوناگون پیش روی کشور از جمله نبود کارایی در اقتصاد، افزایش نرخ بیکاری، افزایش بی اندازه فارغ التحصیلان و ناتوانی بخش خصوصی و دولتی در ایجاد شغل برای آنها توجه جدی مبذول داشته اند. در این پژوهش آثار پنج عامل قصد کارآفرینی، باورهای کنترلی، درک امکان پذیری، هنجارهای اجتماعی و هنجارهای زمینه ای بر رفتار کارآفرینی دانشجویان کشاورزی بررسی شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در رابطه با شهر محل سکونت، اکثر کارآفرینان ساکن شهرهای بزرگ بودند. این موضوع می تواند نشان از تاثیر حضور دانشجویان در مراکز اقتصادی کشور بر رویکرد کارآفرینی داشته باشد. در مورد تحصیلات در تحقیقات گذشته می توان به مواردی اشاره کرد: از یک سو، لوکاس اعتقاد به افزایش احتمال کارآفرینی در هنگام افزایش تحصیلات دارد (Lucas, 1978). از سوی دیگر، سطح تحصیلات می تواند تاثیر منفی بر انتخاب فعالیت های کارآفرینانه داشته باشد (Wu, 2008)، اما همانطور که در نتایج نیز دیده شد، تفاوت معنی داری بین سطح مختلف تحصیلات پدر و مادر در دو گروه کارآفرین و غیر کارآفرین وجود ندارد. این نتیجه در فنلاند مشاهده شده است و نشان می دهد تحصیلات تاثیر بسیار محدودی در قصد کارآفرینانه دانشجویان دارد (Ristimaki, 1998).



در مورد خوداشتغالی همانگونه که در نتایج مشاهده شد اکثر پدران دانشجویان کارآفرین خود اشتغال بودند که این امر می‌تواند در انتخاب کارآفرین بودن بر روی فرزندان تاثیرگذار باشد. تحقیقات نشان داده است که والدین کارآفرین در انتخاب یک شغل کارآفرینانه تأثیرگذارند (Hisrich & Brush, 1983). در تحقیق دیگری پیستروی و همکارانش نشان دادند که خانواده نقش فعال در شکل‌گیری و توسعه مؤسسه در چین ایفا می‌کند (pistru et al, 2001). در این راستا برخی تحقیقات پارا فراتر گذاشته‌اند و از تأثیر بین نسلی خوداشتغالی بر قصد کارآفرینانه خبر می‌دهند (Laspita et al, 2012). در مورد درآمد خانواده و نقش آن هم دیده شد که در خانواده‌های با درآمد بالا به شدت قصد کارآفرینانه افزایش پیدا می‌کند و می‌تواند نتیجه تفکری باشد که افراد در مورد هزینه بالای خوداشتغالی در ابتدا دارند. شاید این موضوع نتیجه نقش ضعیفی است که افراد از نهادهای مالی در تأمین مالی فعالیت‌های کارآفرینی در ذهن دارند. در مقایسه نتایج این تحقیق با تحقیقات دیگر می‌توان به تحقیق علی بیگی و پویا در ایران اشاره کرد که مجموع تحصیلات پدر و مادر و درآمد خانواده را در قصد کارآفرینانه مؤثر می‌دانند (Alibaygi & pouya, 2011). همچنین نتایج با تحقیقات کریمی و همکاران (۱۳۹۱)، رحمانیان کوشکی و همکاران (۱۳۹۱)، دیویدسون و هونگ (۲۰۰۳)، تورکر و سلکوک (۲۰۰۹)، وزیلیادز و پولیس (۲۰۰۷) و اسماعیل و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت داشت.

نتایج پژوهش حاضر بیانگر وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین قصد کارآفرینی و درک امکان‌پذیری و باورهای کنترلی وجود دارد. در تفسیر این رابطه می‌توان چنین بیان کرد که دانشجویانی که در نظر دارند فعالیت کارآفرینانه را در دانشگاه آغاز کنند، به این موضوع توجه می‌کنند این اقدام تا چه حد از نظر علمی، سرمایه‌ای، محیطی و سیاسی امکان‌پذیر می‌باشد. بر اساس یافته‌ها رابطه مثبت و معناداری بین باورهای کنترلی با هنجارهای اجتماعی و درک امکان‌پذیری با هنجارهای زمینه‌ای وجود دارد. در تفسیر این رابطه می‌توان گفت در دانشگاه‌هایی که به کارآفرینی توجه بیشتری شده و به آن به عنوان یک مقوله مطلوب نگریسته می‌شود و برای دانشجویان کارآفرین ارزش قابل است، دانشجویان فعالیت‌های کارآفرینی را مطلوب و شدنی می‌دانند. نتایج پژوهش با مطالعات اسچوارز و همکاران (۲۰۰۹)، احمدی و همکاران (۱۳۹۱)، فینی و همکاران (۲۰۱۲) و تورکر و سلکوک (۲۰۰۹) مطابقت داشت.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، قصد کارآفرینی، هنجارهای اجتماعی به عنوان پیشگو کننده مؤثر بر کارآفرین شدن دانشجویان شناسایی شد. در تفسیر این رابطه می‌توان چنین بیان نمود، اگر دانشجویان در دوره تحصیل در دانشگاه اقدام به کارهای کارآفرینی کنند احتمال اینکه پس از فارغ التحصیلی نیز به فعالیت‌های کارآفرینی اقدام کنند، بیشتر است. از سوی دیگر به دلیل رابطه منفی هنجارهای اجتماعی نشان می‌دهد که عواملی مانند افزایش فارغ‌التحصیلان کشاورزی، کاهش موقعیت‌ها و فرصت‌های شغلی، باعث متمایل شدن افراد به سمت کارآفرینی و خوداشتغالی می‌شود. همچنین شایان ذکر است افرادی که در حال حاضر در دانشگاه به فعالیت‌های کارآفرینی دست می‌زنند، به دانشگاه صرفاً به عنوان پرورش علمی نمی‌نگرند و بستری می‌دانند که به پرورش همه جانبه پردازند. این یافته با یافته های بارنیر و همکاران (۲۰۱۱)، پروت و همکاران (۲۰۰۹)، کریمی و همکاران (۱۳۹۱)، باقرصاد و همکاران (۱۳۹۲) مطابقت داشت.

لذا پیشنهاد می‌شود مسئولان دانشگاه با طراحی و اجرای برنامه‌های تبلیغاتی و تشویق‌کننده، نگرش مثبتی را در دانشجویان در خصوص فعالیت‌های کارآفرینی ایجاد کنند. همچنین تدابیری اندیشیده شود که موانع و محدودیت‌های دولتی و قانونی برای ایجاد و راه‌اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه برداشته شود تا دانشجویان به سمت این فعالیت‌ها تشویق شوند.

فهرست منابع

- حییبی، ح. و منعم، ر. (۱۳۹۱). کارآفرینی زیر بنای اقتصاد مقاومتی و توسعه اقتصادی. مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، دانشگاه گیلان، ۱۶ اسفند، صص ۳۰۳-۲۹۹.
- حییبی، ر. و تعبد، م. (۱۳۹۴). کارآفرینی و نقش آن در اقتصاد مقاومتی و مکتب اقتصاد اسلامی. کنفرانس بین المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی (مدیریت، سیاست، فرهنگ، امنیت، اقتصاد، حسابداری). دبیرخانه دائمی کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی تهران، ۱۰ اردیبهشت.
- خاقانی، ط.، ملاحسینی، ع. و فرقانی، م. (۱۳۹۱). بررسی مدل های قصد کارآفرینانه و خوداشتغالی دانشجویان. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال.
- سلاجقه، س. و جمشیدی گوهرریزی، م. (۱۳۹۱). برنامه ریزی، کارآفرینی و توسعه هماهنگ مناطق کشور گامی موثر در اقتصاد مقاومتی. مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، دانشگاه گیلان، ۱۶ اسفند، صص ۲۸۹-۲۸۲.
- صادقی، م. و ملکی نیا، ع. (۱۳۹۰). ارزیابی دانشجویان از محیطهای کارآفرینانه و تبیین رابطه آن با قصد کارآفرینی. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۹، صص ۸۹-۶۹.
- Dahlstrand, A.L. (2007). "Technology-based entrepreneurship and regional development: the case of Sweden", *European Business Review* 19 (5), 373-86.
- Hurley, A. (1999). Incorporating feminist theories in to sociological theories of entrepreneurship. *woman in management Review*, 2-14.
- Robert C. Ronstadt, (2002) , *Entrepreneurship in economic theory. American Economic Review Papers and Proceedings*, 64-71.
- Shane, S., & Venkataraman, S. (2000). "The promise of entrepreneurship as a field of research". *Academy of Management Review*, 25, 217-226.